



۲۰۱۳/۰۷/۲۳

فرزانه فارانی

سرکشی های آقای رئیس جمهور علیه مردم است نه علیه سیاست های امریکا

چند روز قبل مطلب عجیبی در سایت افغان جرمن آنلاين توجه مرا به خود جلب کرد که مضمون آن می رساند که گویا جان رئیس صاحب جمهور "سرکش" ما در خطر است !!!

نکاتی را که در این مطلب باصطلاح افشا گری شده، بسیاری ها قبلاً به خوبی میدانستند. برای همه افراد روشن نگر و علاقمند به کشور روشن بود که چه مهره ها و دست هایی در کار اند و امریکا روی کدام دلیل به یک بارگی علاقمند سر و سرنوشت مردم افغانستان شده است.

در حالیکه رئیس جمهور کشور مست قدرت و مسحور توجه بین المللی نسبت بخود شده بود، مردم این سرزمین اوضاع را با چشمان و گوش های باز نظارت میکردند و دقیق از قبل همین مسائل را پیش بینی می نمودند.

با توجه به کار کرد های دهه اخیر "رئیس جمهور منتخب"، میتوان اینجا و آنجا زمینه امید های بی ریشه و بی پایه را ملاحظه کرد. از جایی که این کشور از سال ۱۹۹۱ بدین سو به میدان جنگ تنظیمی و طالبی مبدل شده بود از ۲۰۰۱ به بعد، برخلاف میل مافیای حاکم و بر اثر تلاش افشار مردمی که همیشه قربانی بوده اند، واقعاً کار های مثبتی حداقلی صورت گرفته است که به هیچ صورت کافی نیست و با آنچه باید می شد، برابر نمی باشد. بخصوص که کار اصلی و اساسی ایکه آینده ساز و تأمین کننده منافع ملی و اقتصادی کشور باشد تا نسل های بعدی از آن سود ببرند به هیچ صورت عملی نشده است. زیرا دستگاه حاکم و پشتیبانان بین المللی آن، فقط با کلوخ ماندن و از آب گذش و امروز را به فردا سپردن، به چشم مردم خاک پاشیده اند. در حالیکه برعکس زمینه را برای غارت گری مافیا ها، بدون مانع آماده ساخته اند.

من از گذشته دور، از سیاهی ها و وحشتی که ریشه چند هزار ساله دارد و برای همه هویداست نمی نویسم. من از نسل جنگم و در زمان عوامل شوروی سابق و به قدرت رسیدن تنظیم های چند گانه جهادی سر بلند کرده ام، چنانکه این خیل وحشی اکثر هم نسلان مرا اعم از زن و مرد سر بریند و یا فردای های روشن هریک را به وحشتگاه ها و سیاهی ها کشاندند و تبدیل کردند.

تنها در ظرف دو سال (در دهه ۹۰) که از طرف امنیستی انترنشنل تثبیت شده، ۲۸ هزار زن و دختر جوان از شهر کابل ناپدید شده و یا به اجبار به تن فروشی و غیره اعمال مجبور گردیده بودند. از این نوع، هزاران داستان هنوز در گوشه گوشه وطن و در کابل دردمند به گوش میرسد که هیچ گاهی از طرف مقام های مسؤل و جامعه بین المللی شنیده نشد و هیچگاهی کوشش برای از بین بردن لکه های ننگ جهاد و جهادچیان ۱۹۹۲ صورت نگرفته تا واقعاً عدالت اجراء میشد و یا شود.

آقای رئیس جمهور "سرکش" زمانی به قدرت رسید که توجه سیاسی، اقتصادی و نظامی تمام جهان به افغانستان جلب شده بود. کشورم شانس سر بلند کردن را یافته بود و امید های هزاران هزار هموطن چه در کشور و چه خارج از کشور به آقای کرزی بود. چه امید هایی که نه تنها به باد رفت بلکه به تمسخر نیز گرفته شد.

آقای رئیس جمهور اگر واقعاً به خاطر رفاه مردم جنگ دیده به پا میخواست و به کمک و یاری قشر روشنفکر و مردم افغانستان میتوانست تیم سالم کاری را به وجود بیاورد مسلماً در نتیجه تا حال به بزرگترین دست آورد ها میرسید.

اما آقای کرزی تمام تلاش های مردم و امید و آرزو های آنان را نادیده گرفته به چشم ملت خود خاک پاشید و به تیکه داران جهادی که هرکدام از جمله ناقضین حقوق بشر به شمار میروند پناه برد و آنان را که در حال آخرین نفس کشیدن بودند حیات دوباره بخشیده و به تیم فعال کاری خود تبدیل نمود. بدین صورت هریک از این سران تنظیم ها بر سینه زخمی ملت به اریکه قدرت تکیه زدند و به جنایات و دزدی خود به مقیاس بیشتر از گذشته ادامه دادند.

رئیس جمهور سرکش به این هم اکتفا نکرده و جالب تر از همه سخاوتمندانه القاب زیبا و خوب را از کیسه خلیفه به هریک از رفتگان و زندگان سران و قوماندان های ویرانگر تنظیم ها بخشیده به ریش این ملت و مردم خندید.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکني دليکنيزي بڼي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ

اما در نوشته ای که در بالا بدان اشاره نمودم در مطلبی تحت عنوان **شکست امریکا در سیاست: خطر به جان حامد کرزی** که به احتمال قوی از کارکنان و نزدیکان و یا از ریزه خواران خوان غارت رئیس جمهور "سرکش" است می خوانم که با چه پررویی به ستایش رئیس جمهور پرداخته می شود و قبل از رفتنش از این دنیای فانی، لقب مفت "قهرمان ملی" و "سرکش" به ایشان ارزانی می شود.

در اینکه در بقدرت رساندن مافیاهای جنایتکاران و دزدان، تنها آقای کرزی مسؤول نبوده و درین خیانتنامه سیاه، نام کشورهای مهاجم به افغانستان هم به وضاحت، آشکار است هیچگونه شکی نیست. اما سؤال در اینجاست که آقای کرزی اگر خود نمی خواست که درین ننگ بزرگ سهم داشته باشد، چرا درین رابطه با کشورهای مهاجم به افغانستان، سر "سرکشی" نداشت؟

آقای رئیس جمهور هیچ گاهی با مردم خود نزدیک نبود و یک بار هم صدای آنها را نشنید، پس چرا باید این مردم بدانند که آینده ایشان در خطر قرار دارد؟

در دوران آقای کرزی مردم خود را بیشتر از هر دوره دیگر دور از دولت دانستند. سران تنظیم ها و گروه های سیاسی دوران جهاد تعیین کننده و صاحب قدرت اصلی بودند که تا امروز دو معاون وی عوض آنکه در زندان و آستانه اعدام باشند برعکس همچنان به جنایات و قانون شکنی خود بدون ترس ادامه می دهند.

آیا این الفبای سیاسی نبود که باید نقش مردم برای ساختار نظام قوی و مستحکم در افغانستان تعیین کننده باشد؟ آیا رئیس صاحب جمهور با غیر از جنگ سالاران گاهی هم به مذاکره و مشوره نشسته و خواست آنها را مبنی بر اجرای عدالت در نظر گرفته است؟

من دقیق در همین ماه سال قبل یعنی ۲۰۱۲ با تلاش های ناکام خواستار مصاحبه اختصاصی با آقای رئیس جمهور بودم تا از او این سئوالات را بپرسم که متأسفانه از طرف سخنگوی رئیس جمهور روی هر دلیلی که بود، رد شد.

من در آن مصاحبه میخواستم نکاتی رابه گوش مردم برسانم و با مصاحبه با آقای رئیس جمهور ناگفته هایی را که امروز تازه روی صحنه واقعیت ها برملا می شود روشن سازم. شاید هم می خواستم به سهم خود، جلو نفرت عمیق مردم افغانستان علیه رئیس جمهور منتخب را بگیرم و ساده دلانه سیاست های او را سوء تفاهم و اشتباه سیاسی پنداشته و یا حتی بیشتر، شاید هنوز خود امید های کاذبی برای بهبود وطن داشتم؟

هر چه بود، یکبار هم که شده می خواستم برخلاف چوکات تنگ رسانه های افغانستان و بدون سؤال و جواب های فرمایشی، نکاتی را مطرح نمایم که مردم می خواهند جواب آن را مخصوصاً از آقای رئیس جمهور بشنوند. اما این آرزو بر آورده نشد که معلوم بود چرا؟

حال که فاصله میان مردم و رئیس جمهور فعلی تا این حد رسیده و مردم نگران آینده خود هستند و هیچ دستی یاری ای نیست که مردم در طوفان گیر افتاده ما را نجات بخشد، چرا باید نگران جان رئیس جمهور باشیم؟

درعین حال امید داشتن به رئیس جمهوری که وطن را از شر گرگان برهاند، اکنون خطای بزرگی است. باید بگویم که آقای رئیس جمهور شما خود اکنون به یک تن از این گرگان مبدل شده اید و سالهاست با آنها و در خدمت آنها سر از یک گریبان بدرکرده و مردم ما را در خون نشانده اید. شما نیز تا حدی ممکن خون ملت افغانستان را چون خریطه هایی از دالر نوش جان می کنید و از هم سرنوشتی با مافیا ها پشیمان نیستید و هیچ "سرکشی" در برابر آنها ندارید.

بلی این همان رئیس جمهور "شجاع" و "سرکش" بود که تمام دروازه های کشور را به روی هر بیگانه و همسایه باز کرد و قدرت نفوذ هرچه بیشتر بخصوص به ایران بخشید که وزارت اطلاعات و فرهنگ و فضای رسانه یی به صورت علنی نمونه روشن از نفوذ آن کشور مغرض است و به اضافه نام گذاری سرک ها در شمال کشور بنام جاسوس های ایرانی نمونه دیگری از آن می باشد. در مورد دولت جهنمی پاکستان نیز سیاست عشو و کرشمه دولت کرزی نه دفاع از منافع مردم بوده بلکه بیشتر رقابت امباقی با پاکستان در برابر امریکا بود و همچنین هزاران فجایی دیگر ...

آقای رئیس جمهور زمانیکه نیروهای امریکا و یا سایر گروپ های نظامی به خانه های مردم حمله می کردند چرا تا مدت های طولانی خموشانه نظاره گر بودید؟ اما وقتی در قندهار یا هلمند بالای یک فامیل توسط یک تن از عساکر امریکایی حمله وحشیانه صورت گرفت و میدیا و محافل ضد جنگ سر و صدای خود را بلند کردند برای اینکه دیگر قادر به پنهان کردن و توجیه آن نبودید دیدیم که شما هم به سرو صدا ها بلند کنندگان پیوستید.

زندگی شما در خطر باشد یا نباشد هیچ تغییری در حال و روال زندگی مردم بدبخت این سرزمین نخواهد کرد. رفتن و نرفتن شما تأثیری در بهبود اوضاع کنونی نخواهد داشت. چون امریکا حتماً از یک مهره دیگری استفاده خواهد کرد زیرا هنوز گروه ها و پایدو های زیادی منتظر یک اشاره امریکا می باشند.

خواهشمندم به این قهرمانی بازی ها خاتمه دهید مادر وطن فعلی هرگز قادر نشد در چند دهه اخیر فرزند دلیر و شجاع و سرکشی را تولد کند که خیرخواه ملت اش باشد و سر تعظیم به بیگانه هایی که حریصانه چشم به تصرف این سرزمین دوخته اند پائین نیاورد.

با تأسف مادر وطن هنوز قادر به تولد داود خان دوم نشده تا بدان افتخار کنیم و یا نگران آینده و جانش باشیم.

برای آنانیکه در برابر نوشته من یا امثال این نوع مواضع فکری می گویند:

"آینده طوری خواهد شد که به کرزی پشیمان خواهید شد"

باید بگویم:

بلی آینده نزدیک نه تنها بهتر نخواهد شد بلکه بدتر هم خواهد گردید و اما اضافه می کنم: در آن صورت نیز همین سیاست و روال کنونی زمینه و علت آن فاجعه های فردا بوده و مسؤلیت تاریخی بازهم بدوش کرزی و کشور های مهاجم خواهد بود.

از کوزه همان برون تراود که در اوست

به امید بیداری مردم برای بدست گرفتن سرنوشت شان.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ